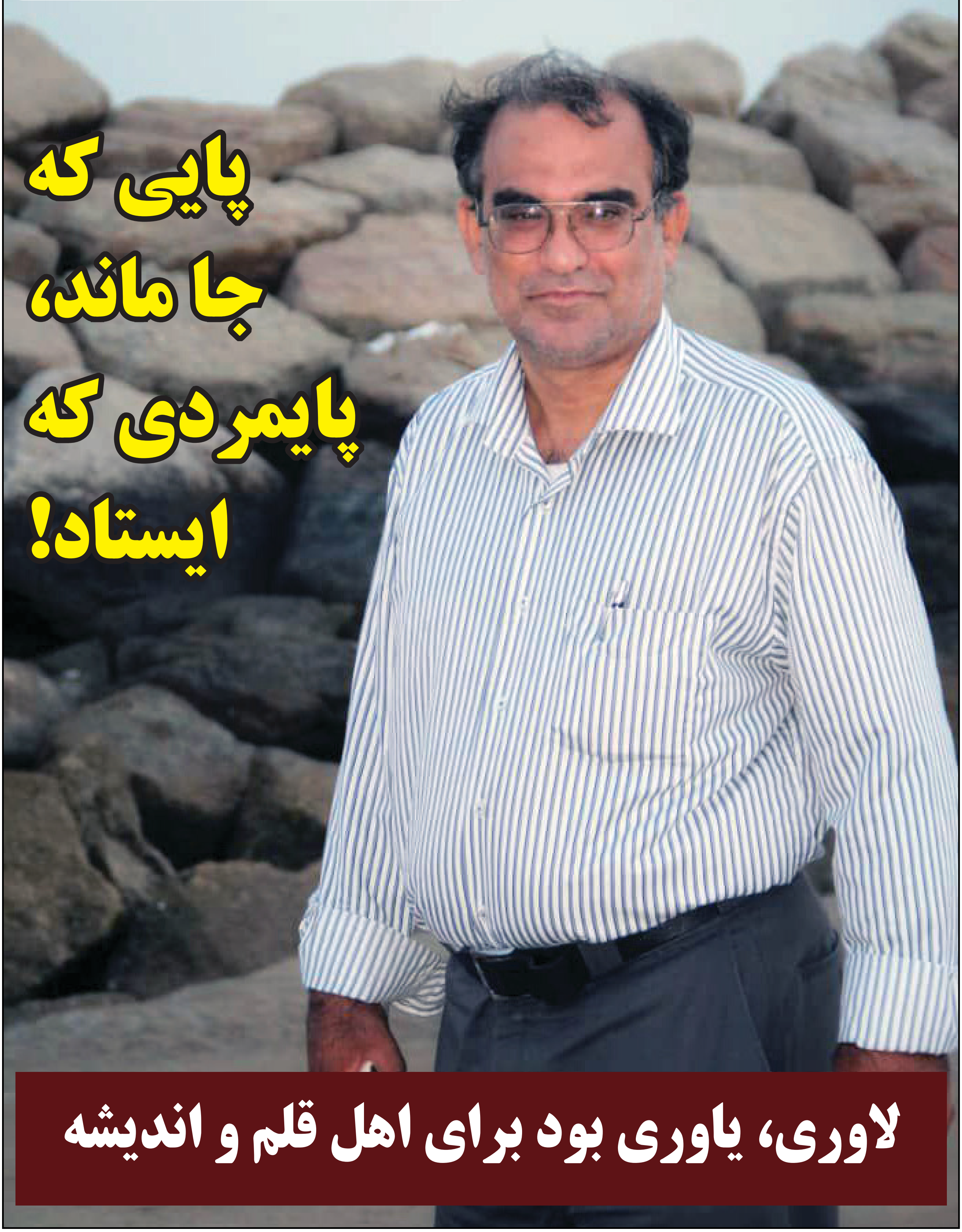
نسیم جنوب

www nasimjonoub COM

سال بیست و هفتم – شماره ۱۱۰۴

شنبه ۱۰ آذر ۱۴۰۳ ۱۶ صفحه

سوگ‌نامه شادروان حسن لاوری؛
فعال سیاسی و روزنامه‌نگار بوشهری



پایی که جا ماند، پایمردی که ایستاد!

لاوری، یاوری بود برای اهل قلم و اندیشه

پیام تسلیت استاندار بوشهر در پی درگذشت پیشکسوت رسانه‌ای استان بوشهر

دکتر ارسلان زارع استاندار بوشهر در پیامی ضمن تسلیت درگذشت «حسن لاوری» پیشکسوت عرصه خبر و رسانه استان و از جانبازان هشت سال دفاع مقدس گفت: خبر درگذشت مرحوم «حاج حسن لاوری» پیشکسوت عرصه رسانه و از رزمندگان دوران دفاع مقدس موجب تاسف و تاثر فراوان شد.

وی این فعال عرصه رسانه را خبرنگاری سخت‌کوش و صادق در عرصه خبر نام برد و گفت: مرحوم حاج حسن لاوری چند دهه از عمر پربرکت خویش را در عرصه خبرنگاری در راستای اهداف نظام و آرمان‌های انقلاب اسلامی صرف کرد.

اینجانب درگذشت جانباز گرانقدر و پیشکسوت عرصه خبرنگاری را به جامعه رسانه‌ای استان بوشهر و به ویژه خانواده داغدار آن مرحوم مغفور تسلیت می‌گویم و از درگاه خداوند سبحان برای آن فقید سعید، رحمت واسعه الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت دارم.

جانباز صاحب قدم، کرم و قلم

محمد مهدی پورفاطمی

هرگاه در خاطرم، وجود بزرگ مردانی همراه و همدل را مرور می کنم؛ نام و یاد جانباز صاحب قدم، کرم و قلم مرحوم حاج حسن لاوری عزیز را در جایگاهی خاص می بینم.

خبر عروج جانگاه صاحب قلم چیره دست استان، کوکب محفل بزرگان، جانباز جنگ تحمیلی، روانشاد مرحوم حاج حسن لاوری عزیز، همه‌ی دوستان وآشنایان را در هاله ای از غم واندوه نشاند!

ضمن عرض تسلیت به خانواده‌ی با وجاهت لاوری، هفته نامه نصیر استان وسایر منسوبین، از خداوند سبحان برای آن فقید سعید علو درجات را مسئلت دارم!

نام و یاد این عزیز سفر کرده بر جریده‌ی جان ماندگار خواهد ماند.

انا لله و انا الیه راجعون

با نهایت تأسف و تاثر درگذشت جانباز گرانقدر و یادگار ارزشمند دوران دفاع مقدس جناب آقای حسن لاوری را به خانواده محترم ایشان، جامعه ایثارگری و اهالی مطبوعات تسلیت عرض می‌کنم. از خداوند متعال برای آن مرحوم غفران و رحمت الهی و برای خانواده معزز و بازماندگان محترم صبر و شکیبایی مسئلت دارم.

مصطفی سالاری

مدیر عامل سازمان تأمین اجتماعی

از تو ممنونیم حسن آقای لاوری!



هر ناله ای که می‌شکند در گلوی باد
آهنگ ناله‌های دلم در فراق توست

به شکوه نام تو باد که ایستادی و چراغ رسانه را در روزگار عسرت و غربت و تنهایی روشن نگاه داشتی.

سبز و خرم نسیم یاد تو باد که ایستادی تا صدای رسای مردم باشی. ایستادی تا تریبون مطالبات مردم کوچه و بازار باشی.

مردمی که چین پوستینشان
مردمی که رنگ روی آستینشان
مردمی که نام‌هایشان
جلد کهنه‌ی شناسنامه‌های‌شان
درد می کند...

روشن و آفتابی یاد تو باد که ایستادی تا رویا بیافرینی. تا حقیقت خلق کنی. تا آفتاب را در باغ کلمات به نظاره بنشینی.

حسن آقای لاوری!

از تو ممنونیم بابت همه رنج‌ها و مرارتی که به خاطر توسعه این جغرافیای رنجدیده کشیدی.

از تو ممنونیم بابت همه گام‌هایی که با پای شهیدت برای این استان سرفراز برداشتی.

از تو متشکریم به خاطر ان همه رنج و صبوری که در راه حفظ وطن تحمل کردی.

قدردان زحمات توییم که چراغ رسانه را تا هنوز روشن و روشن‌تر نگاه داشتی.

از تو ممنونیم حسن آقای لاوری! که اگر چه دیگر در میان ما نیستی اما یاد تو و یادگاران تو هستند که شانه به شانه ما گام بردارند و راه‌های نرفته را به ما اشاره کنند و لبخند بزنند.

تسلیت گوی اندوه بزرگ فقدان توییم. تسلیت به خانواده گرانقدر و صبورت، به همکاران رسانه‌ای شریفت و به مردمی که دوستشان داشتی.

خانه مطبوعات و رسانه‌های استان بوشهر



مبارز مرد «۵۹»، شهادتت مبارک

رضا سیاهوشی

به مانند زمان جبهه و جنگ که رشادت، شهامت، دلیری، بی پروایی در وجودش موج میزد در عرصه مطبوعات هم که وارد این گود پر از چالش شد، حق‌گو و حق‌طلبی پیشه کار و رسالت رسانه‌ای خود نمود و کارهای ماندگاری از خود برجای گذاشت تا جاوید نام شود.

نیک نام گردید زیرا مرد کار و تلاش و مبارزه بود، در جنگ سلاح به دست روبروی دشمن بود و در رسانه قلم به دست تا حقی از حقوق مردم و کشورش ضایع نگردد.

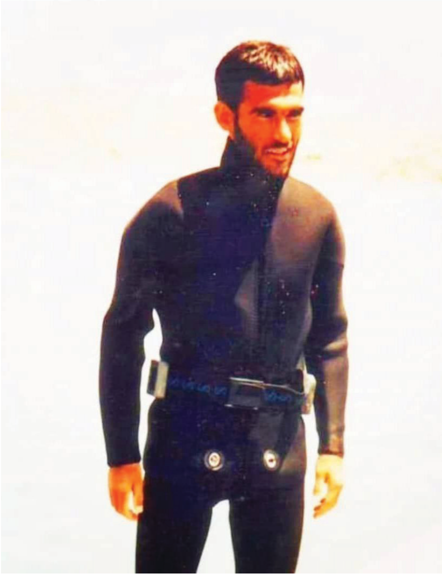
«هفته نامه نصیر»

رسانه ماندگار از «حسن لاوری» که چه زحمات، سختی‌ها و هزینه‌هایی که برای آن نداد تا فعال، پویا و پایدار بماند و از این طریق هم خدمات ارزنده‌ای به فرهنگ و جامعه و استان خود نماید.

آزادیخواهی که برای آرمان‌های ارزشمند خود هیچ وقت حاضر نشد تسلیم گردد و به اصول و راه اصلاح‌طلبی که انتخاب نموده بود اعتقاد ویژه داشت و تا پایان نیز ادامه داد و با همان یک پای خود مردانه ایستادگی کرد.

لاوری از نادر افراد سیاسی بود که برای همه و هر طیفی محترم بود، نقد و انتقادات شجاعانه وی هرگز جنبه شخصی، تخریبی و از روی کینه و نفرت نبود بلکه از سر دلسوزی و عشق به «وطن» بود، همان طور که یک پای خود را در جبهه به پاسداری از خاک وطن تقدیم نمود و با قطعات ترکش‌های خمپاره در بدن خود سال‌ها با درد و رنج زندگی نمود و گاهی هم ناله و اعتراضی نکرد!

کارنامه بسیار درخشان «لاوری» در دفاع از حقوق مردم، آزادی و دمکراسی نشان از رشادت و آزایخواهی مردی بود که «کشورش» را دوست داشت.



جایگاه برتر این بزرگ مردان وطن و تاریخ همیشه در «قلب» مردم بوده و همه می‌دانند که او «شهید» راه آزادی و وطن بوده و همان‌طور که در زمان زنده بودن دنبال جایگاهی نبود الان نیز که «آسمانی» شده هیچ فرقی نمی‌کند که در کدام جایگاه به خاک سپرده شود.

جایگاه قابل احترام شهدا، جایگاه بزرگ هنرمندان و یا جایگاه عظیم مردم عادی، همه در واقع یک «جایگاه» می باشد اما جاودانه، راست قامتی و خوش نامی شتافتن به دیار حق «اصل» است.

سال ۵۹ به جبهه‌های جنگ شتافت و در ۵۹ سالگی هم با ترکش‌های در بدن از اثرات مبارزه در همان جنگ به « شهادت » رسید.

بدرود شیرمرد دلاور جبهه و جنگ و عرصه مطبوعات و « شهادتت » مبارک!



ثابت قدم ماند

محمد مهدی علی پور

صاحب امتیاز و مدیرمسئول هفته‌نامه نصیر بوشهر

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت رزمنده و جانباز دفاع مقدس، پیشکسوت مطبوعات کشور و یاور دغدغه‌مندان استان شهید حسن لاوری را به همه‌ی دوستداران و ارادتمندان ایشان به ویژه خانواده محترم و بستگان تسلیت عرض می‌کنم.

ایشان در طول دوران پر نشیب و فراز زندگی خود چه در دوران دفاع مقدس و افتخار جانبازی بیش از ۷۰ درصدی و چه در منصب یک فعال سیاسی و مطبوعاتی همیشه و همه‌گاه پناه بی پناهان بود و باوجود برخی بی‌مهری‌ها و جفاها در تمام دوران ثابت قدم ماند و لحظه‌ای از آرمان‌های اصیل و انقلابی خود دست نکشید تا الگویی جاودان برای دوستداران خود باقی بماند.

جانباز شهید حسن لاوری بعد از سال‌ها مجاهدت در عرصه‌های مختلف و پس از تحمل درد و رنج ناشی از دوران دفاع مقدس سحرگاه امروز به لقاالله پیوست.

روحش شاد و یادش مانا.

یکی از چهره‌های اثرگذار سیاسی استان بوشهر

مسعود شکوهی

خبر ناگوار و اندوه بار درگذشت دوست و برادر همراه و هم‌اندیشم جناب آقای حسن لاوری موجب تألم و تأثر شدید گردید. او از رزمندگان صدیق و جانبازان فداکار دفاع مقدس بود که رنج جانبازی و آسیب جسمانی را سال‌ها مردانه بر دوش کشید و سرانجام نیز بر اثر عوارض این زخم‌ها و صدمات جان به جان‌آفرین تسلیم کرد.

حاج حسن در سال‌های پس از جنگ نیز از تک و تا نیفتاد و در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با تعهد تمام نقش‌آفرینی کرد. او در نقش یکی از چهره‌های اثرگذار سیاسی استان، بنیان‌گذار یکی از نشریات پویا و منتقد و اصلاح طلب در سال‌های پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ نیز بود و بارها بهای نقدهای دلسوزانه و دفاع از حقوق حقه مردم را با جان و دل پرداخت کرد و مطبوعه‌اش – نصیر بوشهر– دچار انواع تنگناها حتی توقیف شد.

بی‌گمان استان ما پس از این جای خالی او را در عرصه‌های مختلف فرهنگی و سیاسی و مطبوعاتی حس خواهد کرد و از غیاب او در تکاپوهای خیرخواهانه و اصلاح طلبانه دریغ خواهد خورد.

این‌جانب این مصیبت تأسف‌بار را به جامعه سیاسی، فرهنگی استان و نیز به خاندان محترم و معزز لاوری به‌ویژه همسر فداکار و فرزندان گرامی آن زنده یاد تسلیت می‌گویم و از درگاه خداوند بزرگ مسألت دارم که روان آن عزیز را با پاکان و صالحان و نیکنامان محشور گرداند.

به یاد او که اهل درد و دفاع و فرهنگ و قلم بود

بهرام نکیسا

ای یکه سوار شرف ای مردتر از مرد
بالایی من روح تو در خاک چه می کرد
می گفت برو عشق چنین گفت که بشتاب
می گفت بمان عقل چنین گفت که برگرد
دیروز یکی بودیم با هم، ولی امروز
تو نورتر از نوری و من گردتر از گرد
یک روز اگر از من و عشق تو بپرسند
پیغمبرتان کیست بگو درد بگو درد.
«استاد علیرضا قزوه»



برادر ارجمند و جانباز دوران دفاع مقدس، بسیجی دلیر و مقاوم حسن لاوری در پنجم آذرماه سالروز تشکیل بسیج مستضعفین مدرسه عشق، به پدر و مادر و اجداد و یاران شهیدش پیوست.یادش گرامی باد.

صبوری و زحمات همسر و دختر و خانواده محترم ایشان و همیاری و همراهی دوستان هم استانی آن عزیز مخصوصاً طی چند ماه گذشته قابل تقدیر و تشکر است.

آقای حسن لاوری یاد آور خاطرات گذشته جمع کثیری از بسیجیان و رزمندگان و نیروهای فعال سیاسی، اجتماعی و فرهنگی استان بوشهر و کشور است.

او یاد آور خاطرات تلخ و شیرین از استان و دوران جبهه و جنگ بود.

آقای حسن لاوری حقیقتاً مردی صبور و دلسوز و مقاوم در تمام فراز و فرودهای دوران دفاع مقدس و پس از آن بود. انسانی که بدون چشم داشت همواره دغدغه اسلام ناب محمدی (ص)، ایران، مردم و استان بوشهر را داشت.

او پس از گذشت سال‌های سال از دوران دفاع مقدس با نشان بجا مانده از آن روزهای ایثار و وفاداری و وطن دوستی بر روی تنش، بوی شلمچه و خاکریز و خط می داد.

جانباز ایثارگر آقای حسن لاوری به حقیقت نماد واقعی نیروهای مخلص و پاک دست در کشور و استان بوشهر بود. او اهل درد و دفاع و فرهنگ و قلم بود.

پای بجا مانده از او در خط و بدن آشنا و دوست با ترکش و دردش، سند و نماد شرف و مردانگی و اخلاص آن عزیز نسبت به اسلام و ایران بود .

عروج شهادت گونه آن بسیجی عزیز را پس از سال‌ها به دوش کشیدن درد و رنج تیر و ترکش های دوران دفاع مقدس در بدنش به خانواده ایشان و دوستان و هم استانی‌ها عزیز و خودم تسلیت عرض می نمایم.

با مخالفان عقیدتی خود مهربان و در حال مدارا بود

دکتر عبدالرحیم مهرور



حسن لاوری، رزمنده و جانباز دفاع مقدس، طلیعه‌دار و مدیر مسئول اندیشه سبز، روزنامه‌نگار در هفته‌نامه نصیر بوشهر.

با حسن لاوری در محلات بوشهر، جبهه‌های جنگ و هفته‌نامه نصیر بزرگ شده بودیم.

اگر یک هفته همدیگر را ملاقات نمی کردیم، حتماً از طریق تماس غیرحضوری جویای احوال همدیگر می‌شدیم.

ایشان متولد محله ظلم‌آباد و بنده متولد محله جبری شهر بوشهر بودیم.

هر دو با ظلم و جبر روزگار تجربه کسب کردیم، اما این موضوع نتوانست توان‌مان را در راه اندیشه سبز بگیرد.



ولی غافل از این‌که روزی فرا خواهد رسید و دست تقدیر روزگار از هم جدای‌مان می کند.

۸ ماه از فراق حسن می‌گذشت، هر چند که هر یک ماه از طریق خانواده‌اش و همکاران پزشک در تهران جویای احوالش می‌شدم، ولی می‌دانستم که امیدی برای بقایش نیست تا این که از خبر فوتش مات و مبهوت شدم.

با این‌که مرگ‌های زیادی بنا به تجربیات شغلی از هم‌وطنان به عینه دیده‌ام، اما فراق ایشان نوع دیگری است زیرا: لبخند و تبسم ماندگارش، معرفت و مهربانی‌اش در قلب‌های همشهریان جایگاه خاصی بجا گذاشت که تا ابد جاویدان خواهد بود.

اکنون کوچه نصیر از وجودش خالی است اما استان بوشهر ماندگار از اندیشه اوست.



لاوری دلاور، مرد روزهای سخت نصیر از خطه صلح‌آباد بوشهر که همیشه با صلح و صفا و دوستی با مخالفان عقیدتی خود مهربان و در حال مدارا بود.

این ضایعه بزرگ را به خانواده معظم ایشان، دوستان و اصحاب قلم و اندیشه تسلیت عرض نموده و برای آن روانشاد از خداوند منان طلب مغفرت و آمرزش دارم.



در حسرت یار سفر کرده

مسلم روئین

در مورد سجایای اخلاقی و معرفتی شهید حسن لاوری بیشتر دوستان و یاران ایشان قلم فرسایی نموده اند لذا نیازی به تکرار مکررات نیست اما چند وجه از شخصیت آن یار سفر کرده که متمایز با سایرین بود را مختصر خدمت دوستدارانش تقدیم می نمایم :

۱-حسن لاوری شخصیتی کاریزما داشت این را در انتخابات سال ۱۳۸۴ که در حمایت از شیخ مهدی کروبی ریاست ستاد ایشان را عهده دار شد به وضوح دیدم وقتی برای راه اندازی ستاد کروبی به شهرستان های استان همراهش بودم بیشتر افراد صرفا بخاطر شخص حسن آقا حاضر به حمایت از کروبی می شدند در صورتی که دکتر معین هم کاندیدای بخشی دیگر از اصلاحات بود اما دوستانی که آن برهه از شیخ مهدی حمایت کردند صرفا با توجه به محبوبیت و صداقت حسن لاوری ستادهای جناب کروبی را فعال نمودند

۲-شجاعت و بی باکی آقای لاوری در برخورد با هسته ی قدرت نیز کم نظیر بود بارها بعنوان وکیل ایشان در جلسات دادسرای و دادگاه همراهش بودم هیچگاه حاضر به عدول از مواضع انتقادی در برابر رضایت شکات که همگی از مقامات و مسئولین بودند نمی‌شد، در یکی از جلسات دادگاه آخوندی که بازجوی پرونده بود به ایشان گفت: اتهام شما نشر اکاذیب است و حسن پاسخ داد که نقد مقامات و مسئولان استان که کذب محسوب نمی‌شود و بنده در دفاع اعلام کردم وقتی حسن لاوری که جانباز یک پا قطع برای وطن است هم انتقاد نکند پس چه کسانی باید عیوب و مشکلات موجود را بیان نمایند و آن بازجو پاسخ داد لاوری را فقط به اندازه ی همان یک پای قطع شده اش قبول دارد که در جنگ از دست داده و گرنه هیچ یک از نوشته ها و افکارش را قبول ندارد و حسن با جدیت جواب داد بنده هم افکار و اندیشه‌های شما را قبول ندارم.

۳-دفتر نشریه نصیر محل گردهمایی افکار و اندیشه‌های مختلف و گاها متضاد بود و این هنر شخصیت لاوری بود که افراد مذهبی و سکولار، اصلاح‌طلب و حتی اصولگرا در نشریه اش مطلب می‌نوشتند و او بدون



توجه به سوابق گذشته و حال افراد و علی رغم عدم تایید خیلی از دیدگاها و مکالمات افراد اما در نشریه نصیر منتشرش می‌کرد تا آزادی بیان و اندیشه را پاس بدارد ، هر چند عواقبش پرونده سازی و احضار بود.

۴-استفاده نکردن از موقعیت و منصب دوستان همفکر برای خواسته‌های شخصی، بارها از ایشان می‌خواستم برای مساعدت در پرونده‌های ساخته شده از کمک هم‌فکران صاحب پست و مقام استفاده کند اما مخالفت می‌کرد و می‌گفت فقط به دفاعیات خودمان بسنده کنیم اگر چه نتیجه اش محکومیت باشد.

۵-جانباز جنگ تحمیلی بود و می‌توانست از این موقعیت سواستفاده‌ها کند اما حتی استفاده هم نکرد در هیچ یک از شکایات مطروحه علیه‌اش یک نامه از بنیاد شهید و ایثارگران برای تأثیر در رأی و نظر قضات پرونده استفاده نمی‌کرد در صورتی‌که افرادی را می‌شناسم که جانباز نبوده اند اما با پرونده سازی انواع سواستفاده ها را از کارت جانبازی نمودند ولی شهید لاوری هیچ گاه خود را طلبکار یا جانباز صاحب امتیاز نمی‌دانست. روحش شاد



چون مشعلی فروزان، روشنی بخش به مردمانش بود

عبدالکریم گراوند

انا لله واناالیه راجعون

خبر هجرت غم‌انگیز و جانکاه جانباز سرافراز دوران دفاع مقدس جناب حاج حسن لاوری عزیز با زخم‌های فراوان دوران دفاع مقدس موجب تالم و تاسف فراون گردید.

آن انسان وارسته عمر جاودان خویش را چون دوران دفاع مقدس در طبق اخلاص نهاد تا در عرصه فکر و فرهنگ و آگاهی بخشی چون مشعلی فروزان روشنی بخشی به مردمانش باشد.

هیچ وقت نام و خاطر این جانباز فداکار و مردمی و صاحب اندیشه از یاد و خاطر همرزمان ودیار مهربانی بوشهر سرفراز و اصحاب رسانه و دوستان و همکارانشان فراموش نخواهد شد.

ضمن تسلیت هجران دردناک حاج حسن دوست داشتنی خدمت مردم شریف بوشهر وهم‌رزمانشان و خانواده و بستگان محترم ایشان، برای آن سفرکرده از درگاه ایزد منان علو درجات و هم نشینی با شهدا و برای بازماندگان و علاقمندان آن عزیز صبر جمیل مسئلت می نمایم.

روزنامه‌نگاری شجاع

دکتر عباس حاتمی

رحلت جانسوز آقای لاوری را به خانواده و اهالی مطبوعات و مردم شریف بوشهر تسلیت عرض می‌کنم.

آقای لاوری متعلق به کل ایران بود و نگاه ملی داشت.

ایران امروز عزادار این عزیز ازدست رفته است.

آشنایی بنده با آقای حسن لاوری به ۲۰ سال پیش بر می‌گردد که در نشریه نصیر بوشهر ستونی را به یادداشت‌های بنده اختصاص می داد و علیرغم محدودیت شدید مطبوعات در زمان آقای احمدی‌نژاد، شجاعانه انتقادات از دولت را منتشر می‌کرد.

روحش شاد و راهش پر رهرو باد.

پیام تسلیت حزب ندای ایرانیان شعبه بوشهر به مناسبت درگذشت چهره‌ی ماندگار سیاسی و مطبوعاتی استان حاج حسن لاوری

بقاء و جاودانی مختص ذات خداوند بزرگ است حاج حسن لاوری بسیجی و جانباز سرفراز هشت سال دفاع مقدس در روز ۵ آذرماه به یاران شهیدش پیوست

حزب ندای ایرانیان شعبه بوشهر ضمن عرض تسلیت درگذشت شهادت گونه این اصلاح طلب نیک‌اندیش و مطبوعاتی صادق به همه آزاداندیشان هم استانی از درگاه خداوند بزرگ علو درجات برای آن عزیز سفر کرده و صبر و آرامش در تحمل این ضایعه‌ی عظیم برای خانواده محترم و دوستداران ایشان مسالت می‌نماید.

روایت سیدقاسم یاحسینی از یار دبیرستانی خود؛

حسن لاوری به بوشهر، اصلاحات و آزادی عشق می‌ورزید

الهام بهروزی: سیدقاسم یاحسینی با ابراز تاسف و ناراحتی خود از درگذشت حسن لاوری، روزنامه‌نگار پیشکسوت جنوبی به بامداد جنوب گفت: حسن لاوری که دلم نمی‌آید برایش واژه «شادروان» استفاده کنم، یار دبیرستانی من بود و خاطرات خوشی با او از دوران دبیرستان داشته و دارم که برای همیشه در ذهنم به یادگار خواهد ماند. حسن از بهار سال ۱۳۷۶ به تفکر اصلاحات پیوست و به یکی از مقاومان و مروجان اصلی این ایده در بوشهر تبدیل شد. او علاوه بر این‌که یک ژورنالیست اصلاح‌طلب به شمار می‌رفت، یک کنشگر سیاسی فعال در حوزه اصلاحات و نوجویی در بوشهر تلقی می‌شد. لاوری با پایه‌گذاری و انتشار نشریه وزین «نصیر بوشهر» در واقع مثلث مطبوعات مدنی و اصلاح‌طلب را کامل کرد که دو ضلع دیگر این مثلث هفته‌نامه‌های «نسیم جنوب» و «پیغام» بودند.

این مورخ اجتماعی و روزنامه‌نگار باتجربه بوشهری سپس به نقش حسن لاوری در حوزه دفاع مقدس اشاره و تصریح کرد: با شروع جنگ تحمیلی حسن درس و مدرسه را در حالی که ۱۵ یا ۱۶ سال داشت، رها کرد و برای دفاع از اسلام و ایران راهی جبهه‌های نبرد شد و قهرمانانه جنگید و یک پایش را در جبهه به یادگار گذاشت. از این‌رو، حسن جانباز جنگ تحمیلی بود؛ جانبازی که با جان و دلش وفادار به آرمان‌های انقلاب اسلامی ماند.

وی در ادامه با بیان این‌که برایم دشوار است که در این مجال اندک بخواهم کارنامه بلند و غنی ژورنالیستی حسن لاوری را بازگویی و روایت کنم، افزود: این حدیث خود نیاز به یک کتاب مفصل دارد. از نوآوری‌های خوب و ارزشمند هفته‌نامه نصیر بوشهر می‌توان به توجه ویژه به موضوع زنان و تکاپوهای آنان اشاره کرد. تا آن‌جا که به یادم مانده، خانم پروین‌تاج محمدی برای نخستین بار در تاریخ مطبوعات بوشهر با حمایت همه‌جانبه حسن لاوری صفحه اختصاصی زنان را تاسیس و راه‌اندازی کرد و سال‌های سال مطالب ارزشمندی درحوزه‌های مختلف مربوط به مطالعات زنان را در این صفحه گنجاند که بررسی همان یک صفحه در هر شماره این نشریه نیز خود نیاز به کتاب مستقلی دارد.

به گفته نویسنده کتاب «صد سال مطبوعات بوشهر» در صفحه زنان، خانم محمدی تنها خود قلم نمی‌زد، بلکه به زنان خوش‌ذوق دیگر نیز مجال اندیشیدن و قلم‌زدن می‌داد. به‌عنوان مورخی که به تاریخ و مطالعات زنان در بوشهر علاقه خاصی دارم، گواهی می‌دهم که صفحه زنان نصیر بوشهر علاوه بر پیشگامی در این راه، موجد و موجب نسل‌پروری شد و ده‌ها شاعر و نویسنده و قلم‌زن بانو در بوشهر را یا پرورش داد یا آموزش داد یا تشویق به قلم زدن کرد. ای کاش، مورخی با نگاه به مطالعات زنان و تاریخ ژورنالیسم زنان در بوشهر پیدا شود و مطالب این صفحه را جمع‌بندی و آنالیز علمی و محتوایی کند.

وی با بیان این‌که بسیاری از مفاهیمی که امروزه در حوزه زنان عادی و پیش‌پا افتاده تلقی می‌شود،



برای اولین بار در بوشهر در صفحه زنان نصیر بوشهر منعکس شد، افزود: البته خانم محمدی هزینه جسارت و نوآوری خود را پرداخت کرد. خوشبختانه این «الگو» بعدها موردتوجه دیگر نشریات بوشهر قرار گرفت و آنان نیز کم و بیش ستون یا صفحه‌ای را خاص زنان ایجاد و منتشر کردند. یکی از پژوهش‌های بایسته در مورد ژورنالیسم زنان بوشهر تهدید و بررسی همین صفحات در نصیر بوشهر و دیگر نشریات این استان است. کاری است در سطح یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد یا دکتری.

یاحسینی تاکید کرد: تحلیل جایگاه ژورنالیستی، سیاسی، اجتماعی و موقعیت خیزش زنان در بوشهر و رابطه آن با زنده‌یاد حسن لاوری نیاز به یک مجال فراخ علمی با دسترسی به دوره کامل نشریه نصیربوشهر دارد که من با توجه به تالمات روحی که به دنبال شنیدن خبر پرکشیدن این یار دبستانی بدان دچار شدم، از انجام آن معذورم.

به عقیده این مورخ جنوبی، حسن لاوری یک اصلاح‌طلب واقعی و بدون ادعا بود که هزینه این کار را نیز با جان و پوستش پرداخت کرد. بارها نشریه‌اش به دادگاه رفت و محکوم شد. چندین بار توقیف شد و سرانجام نیز لغو امتیاز شد. شک ندارم که یکی از دلایل سکته مغزی او و مرگ ناهنگامش به دلیل غم عظیمی بود که بابت این رفتار بر دل نازکش نشست.

این روزنامه‌نگار باتجربه با اشاره به اینکه یکی دیگر از کارهای ارزشمند حسن لاوری در رسانه، تریبون و فرصت دادن به چهره‌ها و شخصیت‌های علمی، فرهنگی و ادبی در بوشهر بود، افزود: نمونه تیپی چنین رفتاری را با شادروان حسن زنگنه انجام داد و به مدت چند سال تقریبا در هر شماره نصیر بوشهر ترجمه‌های آن مترجم فقید را در نصیر بوشهر به چاپ رساند. ده‌ها شاعر، نویسنده، مقاله‌نویس نوقلم را دست گرفت و بدون هیچ چشم‌داشتی مطالبشان را در نشریه خود چاپ کرد و با این کارش امید پرورش داد و نسل‌پروری کرد. در زمینه تسامح و تساهل حسن نمونه بود. وقتی با او در باب مسائل سیاسی بحث می‌کردید، با خنده دلنشینی که همیشه بر لب داشت، با موافق و مخالف روبه‌رو می‌شد و کمتر دیدم در باب موضوعی چالشی عصبانی شده باشد. او به بوشهر، اصلاحات و آزادی عشق می‌ورزید و این عشق در هزاران صفحه از نشریه‌ای که منتشر کرد، موج می‌زند.

یاحسینی با تاکید بر این‌که حسن به مونولوگ اعتقاد چندانی نداشت و در عوض به دیالوگ اعتقاد تام داشت، گفت: همه ما شاهد بودیم که نصیر بوشهر جایی برای مخالف‌خوانی نیز بود و کسانی که با اندیشه و راه او مخالف بودند، نیز مجال داشتند تا مطالب و مقالات خود را در نشریه او چاپ و منعکس کنند. اگر بخواهم از شخصیت‌های مهم مدارامحور تاریخ مطبوعات پس از انقلاب استان نام ببرم، بی‌شک یکی از آن‌ها زنده‌یاد حسن لاوری خواهد بود.

وی با بیان این‌که حسن لاوری به تاریخ بوشهر علاقه زیادی داشت، تصریح کرد: از این‌رو، علاوه بر انتشار ترجمه‌های مرحوم زنگنه، مطالب و مقالات بسیار فراوانی نیز از دیگر محققان و پژوهشگران بوشهری در این زمینه در نصیر بوشهر منتشر کرد. در آخرین مصاحبه‌ای که برای چاپ در نشریه نصیر با او داشتم که با حضور خانم سهیلا شعبانی انجام شد، به حسن پیشنهاد کردم که تاریخ تحلیلی هفته‌نامه نصیر بوشهر و چالش‌های سیاسی- اجتماعی ایجاد شده برای این نشریه و همچنین دادگاه‌های مطبوعاتی خودش را در قالب یک کتاب خودنوشت زندگینامه بنویسد و من نیز هر کاری از دستم برآید برایش انجام خواهم داد؛ اما متاسفانه به دلایل مختلف این کار انجام نشد و امیدوارم دوستان نزدیکی مثل آقای عبدالرحمن برزگر یا دیگرانی که با چالش‌های مدیریتی نصیر بوشهر آشنا هستند، این مهم را به سامان برسانند.

یاحسینی، صفحه ادبی و هنری نصیر بوشهر را که امید غضنفر، شاعر و روزنامه‌نگار محجوب بوشهری آن را مدیریت می‌کرد، دیگر نقطه قوت نشریه لاوری معرفی کرد و گفت: امید که خود شاعر بزرگ و صاحب‌سبکی بود، سال‌ها در این هفته‌نامه قلم زد، طنز نوشت، شعر گفت، مصاحبه انجام داد. به یاد دارم یکی از ساختارشکنانه‌ترین مصاحبه‌های او با من در باب کتاب «آتشی در مسیر زندگی» انجام شد که در نصیر بوشهر منتشر شد. امید غضنفر همچنین ویژه‌نامه‌های بسیار ارزشمندی را برای نصیر تدارک می‌دید که شاید یکی از برجسته‌ترین آن‌ها که هنوز هم مرجع است، ویژه‌نامه شعر محلی بوشهری بود.

این مورخ اجتماعی در پایان، دیگر کار ارزشمند زنده‌یاد حسن لاوری را برگزاری بزرگداشت‌های متعدد برای همکاران مطبوعاتی‌اش و اهالی قلم بوشهر معرفی کرد و گفت: در ذهنم الان ویژه‌نامه‌های اختصاصی زنده‌یاد حسن زنگنه و محسن شریف پیش چشمم است. حسن بارها با هزینه‌های قابل توجهی مراسم بزرگداشت برگزار کرد و از اهالی قلم و ادب قدردانی کرد. ویژه‌نامه‌های پایان سال نصیر هم هر کدام کتاب مستقلی بود که خواستاران خاص خودش را می‌داشت. حسن‌جان خداحافظ؛ به امید دیدار در سرای دیگر./ هامون

و این‌گونه حسن به جاودانگی پیوست!

خورشید فقیه



سالیان درازیست که خانواده محترم لاوری را از نزدیک به خوبی می شناسم، هر دو خانوار، ساکن در جنوبی ترین نقطه شهر بوشهر(محله جبری) بودیم و همسایه و با ارتباطاتی صمیمی و معمولی و خانوادگی با همدیگر، آن چنان‌که با دیگر همسایگان، رسمی عاطفی که یکی از رسومات نیک آن زمان‌های دیر بود و اکنون نیست !! اما حسن لاوری را آن‌گونه که بود و بعدها شناختم ، زمانی صورت گرفت که وی خود را در بحر همیشه مواج و پُر از تلاطم مطبوعات غرق نمود و به صید صدف های پر از مروارید هنر و قلم و اندیشه‌های متعالی شهر و دیارش اشتغال ورزید !؟ و نیز در این مرحله هم بود که او پیوند و آمیزشی غیرقابل تفکیک و جدایی‌ناپذیر یافت با مردم و جامعه خویش آن هم با انتشار هفته نامه ای با عنوان (نصیر بوشهر) که منعکس کننده خوشی و ناخوشی‌ها و شادی و غم‌های انسان های پیرامونش بود و از این طریق به نام و نشانی جاودانه در تاریخ این شهر و مملکت دست یافت!!.

البته در ابتدای امر، هضم و فهم این موضوع و چنین جهشی خیره کننده توسط این جوان، کمی تا قسمتی برایم عجیب و باور ناکردنی بود...آخر چگونه می‌توانستم باورکنم که جوانکی حزب اللهی مدام در جبهه های جنگ با بیگانگان از یک سو و هم زمان درحال مجادله و ستیز با معاندان و مخالفان دگراندیش داخلی حکومت نو پای مستقر درکشور از سوی دیگر، می تواند همراه و هم اندیشه شود با اهل قلم و روشنفکران ذاتا مشکوک و معترض به همه چیز و اغلب در تضاد با دیدگاه ها و ساز و کارهای عملی حاکمان جدید، آن‌هم در قالب یک گفتمان مطبوعاتی و راه و شیوه‌ی عملی واحد !؟ بنا براین، طبیعی بود که افرادی مانند من، پیوسته از دور و بگونه‌های مختلف، فقط ناظر ماجرا باشیم و تلاش در شناسایی عملکرد و اهداف و اندیشه‌های هرچه بیشتر این مطبوعه و بنیانگذار و مدیرمسئول و مطالب مندرجه آن در گذر زمان. اما این تردید ها وشَکّیات، خیلی زودتر از تصور من پاسخ لازم را در اختیارم گذاشت و با یکی دو نشست اتفاقی با ایشان نه تنها رفع ابهامات شد بلکه انسان آزاده و صادق و ثابت قدمی را با من مواجه نمود که هرگز تصورش را نمی‌کردم!! مردی با زُهدی سرچشمه گرفته از مذهب و مومن به اعتقادات دینی خود، و همزمان با فاصله‌گیری حیرت‌آوری از دکّان‌داران عقیدتی و صد رنگ و بوقلمون صفتی که متاسفانه با در پیش گرفتن این شیوه های رذیلانه و مردم فریبانه، به چه امکانات مادی و موقعیت های اداری و اجتماعی مهمی که رسیدند و بعضا نیز ادامه می‌دهند!؟

باری این‌گونه بود که پای من به دفتر هفته نامه نصیر بوشهر باز شد، نه تنها بعنوان یک همکار و عنصر فعال مطبوعاتی بلکه بیشتر به اشتیاق دیدارحسن و مشارکت در مجالس انس و الفتی که با محوریت او، هر روزه در دفتر هفته نامه و با حضور نحله‌های فکری متفاوت و بعضا متضاد (از مرد تا زن) برگزار می گردید و از هر دهانی سخنی و از هرتفکری نظریه‌ای به گوش می‌رسید و نکاتی مطرح. ضمنا یکی از ویژگی‌های این نشریه، پذیرش و چاپ و انتشار نظرات قلمی نویسندگان متفاوت النظری بود که البته برخی اوقات پی‌آمدها و عوارض سویی هم در برداشتند، از جمله درج مقالاتی از من که باب طبع مقامات وزارت ارشاد نبود و ظاهراً با گزارش آن‌ها توسط نصرالله شفیعی مدیرکل وقت فرهنگ و ارشاد بوشهر به وزارتخانه مربوطه، باعث توبیخ و منع انتشار چند هفته ای نصیر بوشهر گردید!!

به هرحال و با این مختصرکه نوشتم، صرفا می‌خواستم فعلا فقط گفته باشم که چرا در ذهن و باور من و حتا بسیاری از دوستان، حسن لاوری درآسمان قلم واندیشه وعمل و اعتقادات راسخش به آن‌چه نیک می‌دانست، جاودانه شد!؟ دُردانه ای که کمتر میتوان مشابهتی برایش متصوربود. البته حرف و حدیث پیرامون این بزرگمرد رزم و بزم و صادق درکردار و گفتار، بسیارها در ذهن و خاطره دارم که هرکدام مثنوی صد (من) است که بماند به وقتش اگرکه عمر و حوصله ای برایم باقی بماند!

روانش شاد و یادش همچنان بخیر و نیکویی باد و تعداد رهروانش بیشمار.

در پایان، از صمیم قلب و درنهایت اندوه، عرض تسلیتی دارم خدمت خانواده محترم و معزز ایشان به‌ویژه همسر مهربان و فداکارش و نیز فرزندان برومند و فرهیخته و دیگر بستگان آن جوانمرد همیشه دوست داشتنی و فراموش ناشدنی.

درسوگ دوست عزیزم حسن لاوری

قدرت اله رحیمی

مردی هم تبار ستاره از آسمان شب های این شهر گذر کرد.
نجابت ردای روز و اصالت تن پوش شبش بود
صدایش پژواک فریاد فرداهای میهن بود.
و بر دُرج چشم هایش گوهرهای سفته‌ای از ناگفته‌های دل دَرج گشته بود.
چه پدرام روزهایی که با او گذشت و چه پژمان شب‌هایی که بی او خواهد آمد.
آن تفنگ بر کف دیروز و قلم در دست هرروز، آرام و شکیبا و نجیب از کنار دریای پرتلاطم امروزمان عبور کرد تا ما روزان و شبان بی فرجامی را با یاد چشم‌های نجیبش مرور کنیم.
او که غبار از چهره حقیقت می‌زدود؛ روشنی چشم‌های ما بود و ای دریغ که تا ابد دریغاگوی دیدگان مهربان او خواهیم بود.
اندوه رفتنش را با واژگانی یتیم بر اهالی اندیشه و خرد و روشنی تعزیت می گوییم.

نامی درخشان در تاریخ مطبوعات استان بوشهر

مازیار هوشمند
مدیر عامل خانه مطبوعات و رسانه‌های کشور

از شمار دو چشم یک تن کم
وز شمار خرد هزاران بیش

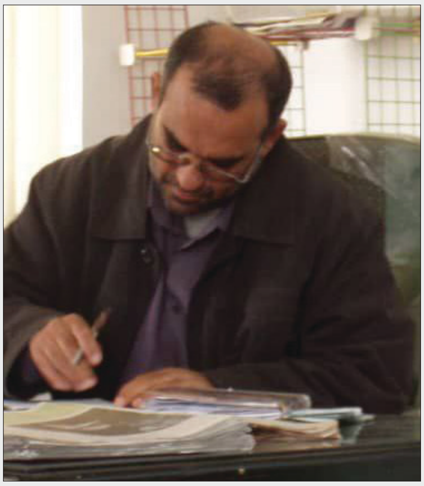
خبر اندوهبار درگذشت روزنامه‌نگار عزیز و پرتلاش، و جانباز هشت سال دفاع مقدس استاد حسن لاوری، همه جامعه رسانه‌ای استان و اهالی فرهنگ و هنر را در غم و اندوه نشاند. روزنامه‌نگاری که همه عمر شریف خود را در دفاع از جغرافیای مقدس وطن و کیان کشور گذراند، و تمام همت خود را در مطالبه‌گری و پیگیری حقوق مردم، توزیع فکر و اندیشه و پرورش استعدادهای جوان مصروف کرد.

بی‌تردید تاریخ مطبوعات استان بوشهر، از این پس، از نام درخشان حسن لاوری به نیکی یاد خواهد کرد، و فصلی روشن را با یاد او و خدمات ارجمندش در ذهن و حافظه خویش خواهد گشود.

اینجانب درگذشت مظلومانه این پیشکسوت نازنین مطبوعات و یادگار هشت سال دفاع مقدس را به خانواده محترم صبورش، اهالی فرهنگ و رسانه استان، و همرزمان حماسه‌سازش در روزهای حماسه و عشق، تسلیت می‌گویم؛ و از خداوند متعال می‌خواهم تا روح بزرگش را با روح یاران سفرکرده شهیدش محشور گرداند.

به خاطر دوست روزنامه نگارم شادروان، حسن لاوری

محمد محمدزاده



از خیابان گذشت
از دریا گذشت
و پا گذاشت در وسعتی
که دوستان جهادی اش رفتند...

چیزی که او می خواست
از سال ها پیش تمام شده بود
و راستی و یکرنگی
چون لبخندی مایوس
بر لب های درد خشکیده بود...
او می دانست که شاهراه ها مرده اند
و جاده های تاریک آلوده به مار
شهرهای خندان را از نفس انداخته اند
اما همچنان با دریا شعر می خواند
با موج ها سفر می کرد
و نقاشی های دختران خرد سال را
با خود به شهر رویاها می برد....
حالا او رفته است
و فانوس های دریایی
در باد زوزه می کشند
و چراغی که گاه گاه در کوچه های تاریک
شعله می کشید
میان پنجره های همیشه خاموش شده است....

درگذشت برادر گرامی جناب آقای حسن لاوری موجب تأسف و تالم گردید. او که یادگار دفاع مقدس بود، درد و رنج جانبازی را در همه این سال‌ها تحمل نمود سپس وارد عرصه فرهنگ و سیاست شد و در قامت یک روزنامه‌نگار به آن‌چه تشخیص داد عمل کرد.
درگذشت این جانباز مجاهد را به اهالی استان بوشهر بالاخص خانواده محترم لاوری، یادگاران دفاع مقدس و فعالان عرصه روزنامه و خبرنگاری تسلیت عرض نموده و برایش علو درجات را از خداوند متعال آرزومندم.
جعفر پورکبگانی نماینده مردم شریف بوشهر گناوه و دیلم در مجلس شورای اسلامی

همواره به جامعه، امید بهبودی می‌داد

مرتضی سراجی



چون شمع بسوخت و من پروانه شدم به دور او،
جفا باشد که شمع بسوخت، پروانه نسوخت به دور او،
صادقانه و بی‌ریا در پیشگاه شما و تاریخ اقرار می‌کنم که تا زنده‌ام، ارادتم نسبت به نبود برادر جانباز شهیدم، هیچ‌گاه ذره‌ای کم نخواهد شد، چرا که اسم و رسم او همواره فراموش ناشدنی است.
مردی به دیار باقی شتافت که در کیش شخصیت و سلوک مداراگونه‌اش در میان مردم و نخبگان این استان، زبانزد خاص و عام جامعه بود؛ انسانی هم‌جانبه‌گرا، مخلص، کوچک‌نفس، ساده‌زیست، بی‌تکلف، حق‌مدار، آزاداندیش، جامعه‌نگر، پایبند به خرد جمعی، ایمان و باور به اصول ارزش‌های واقعی جامعه، معتقد به آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب با نگرشی اصلاح‌طلبانه که همسو با روندی تحول‌خواهانه بود.
چون کیمیایی گران‌مایه و گران‌قدر که در بستر زمانه، همواره نام نازنین او بر تارک استان ما بوشهر می‌درخشد. ایشان همواره به جامعه امید بهبودی می‌داد.
حسن لاوری دارای طبع بلند و روح لطیفی بود که در وصف نمی‌گنجد. آن‌قدر صبور و بردبار بود که سال‌ها جانبازی خود را دور از چشمان دنیانگران ظاهربین، پنهان می‌کرد تا مبادا بهانه‌ای به دست دنیادوستان ظاهربین فرصت‌طلب بدهد.
او مجاهدی فی سبیل الله بود که هیچ‌گاه آخرت خود را بخاطر چند روز زندگی به دنیای دیگران گره نزد. اصلاح‌طلبی عاقبت‌اندیش بود که در راستای آزادی، تا مسلخ عشق محاکمات بارها کشیده شد و سر در مقابل قدرتمندان هرگز خم نکرد.



او همواره در روشنگری دینی در این استان پیشگام بود و به عمق جان باور به اندیشه‌ی روشنفکری دینی داشت و در اعتلای باورهای خود در مقابل متحجرین و زورگویان هیچ‌گاه سر خم نکرد.
بیاد دارم دادگاه اولیه ایشان را که همراه ایشان بودم، آن‌گاه که پله‌های دادگستری را یکی پس از دیگری طی می‌کردیم، ایشان چه حالی داشتند: مصمم و نترس، باورمندتر از همیشه در عین تنهایی. مسیر پیشروی افکار و اندیشه‌های خود را مصمم و با اراده‌ای وصف‌ناشدنی می‌پیمود تا جایی که خود، یکی از منادیان نیک‌اندیشی و درستی شد که نامی جاودانه از خود در تاریخ این سامان به زیبایی ثبت و ضبط کرد. هم‌باوران جریان اصلاح‌طلبی و تحول‌خواهی او در این استان نام و یاد او را تا همیشه پاس خواهند داشت. مانا نامت باد، یاد و خاطراتت جاودان.



شخصیتی دردمند و دغدغه‌مند برای این ملک و ملت

محمد فولادی



رحلت برادر جانباز و مقاوم عرصه اصلاح و آگاهی بخشی جناب حاج حسن لاوری که زندگی شهیدگونه همچون یاران شهیدش در تمام عرصه های مردمی، فرهنگی و سیاسی داشتند، البته که ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر مخصوصا در عالم رسانه– که آگاهانه و مخلصانه و دردمندانه حضور داشتند– می باشد.
این خسارت عظیم و فراق این یار همیشه همراه به خانواده مکرم ایشان و دوستان عزیز اصلاح طلب و همه مردم استان تسلیت عرض نموده و شادی و رضوان الهی، روح بلند و عارفانه آن عزیز سفرکرده به درگاه ایزدی را از ایزد متعال خواهانم و حشر با اولیاء الهی و یاران شهیدش آرزومند.
اینجانب که بارها توفیق مصاحبت با ایشان داشته و چند بار توسط ایشان مصاحبه پیرامون مسائل دینی همچون «عاشورا» و روشنفکری دینی چون «نقش شریعتی در امروز ما» شدم و در هفته نامه وزین نصیر به چاپ رساندند، ایشان را شخصیتی مسلط و آگاه و دردمند و شجاع و دغدغه مند برای این ملک و ملت یافتم.
کسانی که در هنگامه تجاوز دشمن به مرز و بوم و خاک کشور اسلحه بدست می‌گیرند و در عرصه فرهنگ قلم انسانیت و دردمندان و بی صدایان را فراموش نمی کنند و بی ادعا تلاش خستگی ناپذیر و از پای نمی نشینند صدالبته که شایسته قدر و ارج هستند و حاج حسن لاوری یکی از آن نادرافراد بودند.
رحمت و رضوان الهی بر آن مرد جاودانه نام و یاد باد.

مردی از دیار پاکان

عباس طبیب‌نژاد

مردی که برای همه جنگید، ولی برای خودش هیچ جنگی نکرد و راضی شد به رضای خدا.
تنش پر بود از ذرات ترکش بمب‌ها و سینه‌اش مالامال بود از عشق به مردم. با تمام وجود به محل خود وفادار بود و برای شهرش سینه سپر می کرد و برای وطنش جان می‌داد.
او بی‌نظیر بود. واژگان کم می‌آورد و باید در ارتباط مداوم بود که این دُردانه را شناخت. او برای لحظه‌لحظه زندگی‌اش برنامه داشت، گویی می‌دانست که چندان وقت زیستن ندارد. چقدر زود دیر می‌شود! وقتی حسرت دیدنش بر دل دوستانش می‌ماند، از چه چیزی دلگیر بود که برای رفتن اینقدر عجله داشت؟!
دو سال لعنتی کرونا فاصله عمیقی بین آدم‌ها انداخت که بستر منحصر به فردی که در خانه شخصی خود به راه انداخته بود، به یک‌باره رابطه مرید و مرشد را در پستوهای دل‌ها برد. او و دلش برای آن روزها که در رابطه تنگاتنگ با آدم‌ها بود می‌تپید و از آن لذت می‌برد. او می‌خواست در دل حوادث باشد. وقتی در یک بزنگاه تاریخی بر ما واقعه‌ای گذشت و از ظلم مافیای نفتی در حق خود با او در میان نهادیم، ایشان بدون هیچ گونه واهمه و یا

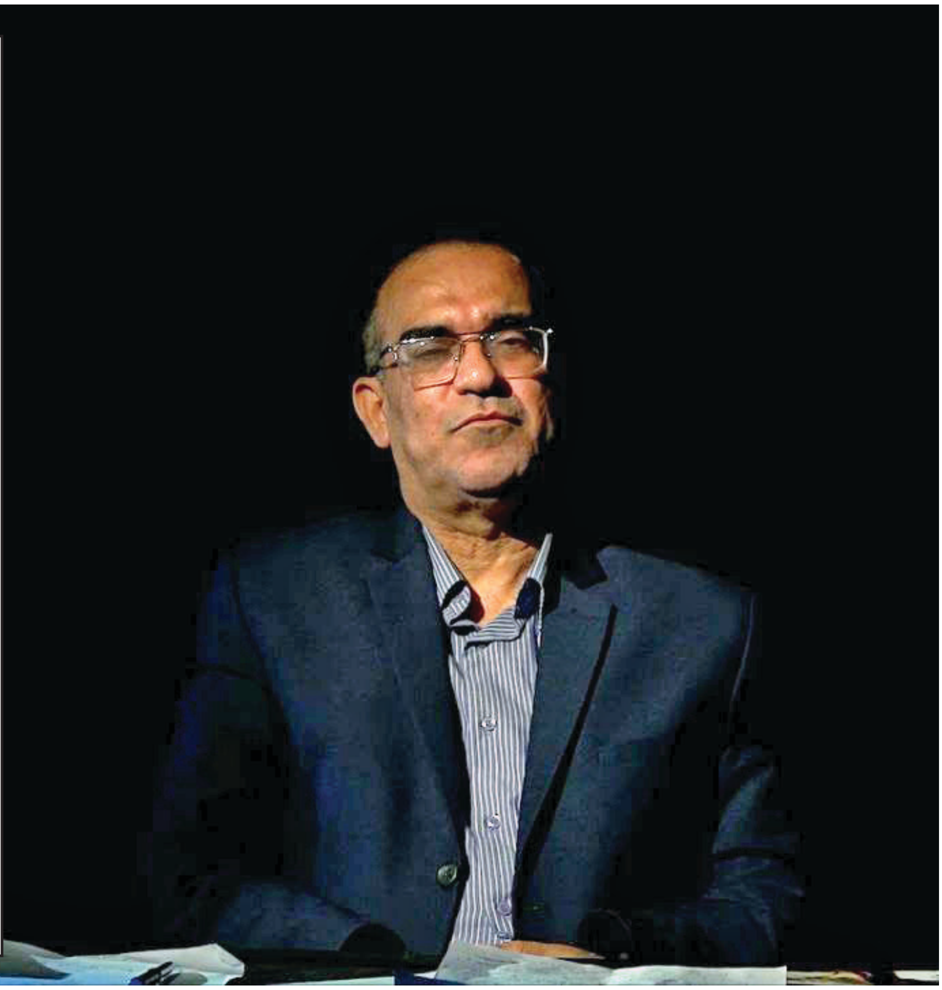


این که در انتظار چراغ سبز این روزگار فریبنده بماند، که خیلی‌ها ماندند، به آن‌ها تاخت و در یک گفتگوی رسانه‌ای در روزنامه وزین نصیر، مدیرعامل وقت آن روز را به چالش ویران‌کننده‌ای کشاند و این فقط یک نمونه از بی‌انتهای کارهایش برای مردم بود. اصلاً خودش را نمی‌دید و برای همین، وقتی نوبت به خودش رسید هیچ تلاشی برای جنگیدن نکرد و شوق برای رفتن در او بیشتر به ماندن بود و راضی شد به رضای خدا. به راستی که او یک مرکز ثقل و یا به عبارتی یک گرانیگاه بود که بعد از نبودنش بیشتر و بیشتر احساس می‌شود. روحش شاد و یادش گرامی باد، این نازنین مرد از دیار پاکان.



گلایه مهدی لاوری، فرزند جانباز سرافراز حسن لاوری

بابای من بدون یک پا و با بدن پر از وصله پینه و ترکش رفت،
سال‌ها با ترکش‌ها زندگی کرد و سال‌ها جراحی‌های مختلف برای درآوردن ترکش‌ها کرد،
اما حاضر نشدند پدرم را توی قطعه ایثارگران و جانبازان بهشت صادق دفن کنند.
شنیدیم حتی جا داشته و از قصد به پدرم جا ندادند.
خدا را شکر پدرم بی‌جا نماند و منتی بر سرش نیست.
جوانی و جسمش را فدای وطن کرد اما آقایان مسئول که رنگ جنگ ندیدند، تصمیم می‌گیرند که چه کسی در جای جانبازان و جای شهدا دفن شود.
پدرم به هیچ کدام‌شان نیاز ندارد، اما همه آن‌ها را به خدا واگذار می‌کنیم. یک روز پاسخ کارشان را حتی اگر این دنیا نه، آن دنیا می‌بینند.
این دنیا موقتی است، پدرم پاک رفت.
هر چه از زمان مرگش بیشتر می‌گذشت، صورتش حالت راحت‌تر و روشن‌تری گرفت و انکار لبخندی داشت.
از همه محدودیت‌های جسمی رها شد



دلگیر مباش مهدی

حسین روئین

دلگیر مباش مهدی که پدر تو را در قسمتی از خاک خواستگاهش خاک نکردند. خوشدل باش که پدر تو آن‌گونه زیست و نمود و نماد داشت که اکنون پیکر پاکش در میان قلب‌های مردم استان آزادیخواه بوشهر دفن شده و می‌شود.



پدر تو و برادر ما، در قلب‌های مالامال از عشق حسن، روش حسن، منش حسن و بینش رب‌العالمینی حسن، دفن می‌گردد.
مهدیِ حسن و من و ما، تو خوب دقت کن که چه جمعیتی برای وداع با پدر تو و برادرم آمدند و بیشتر دقت کن کدام چشم است که اشک‌آلود نبود و کدام ضمیر است که مغموم نباشد و کدام دل است که حزین نباشد.
مهدی عزیز ما، مدفن پدرت را در گلبرگ‌های شبنم‌گرفته اشک‌های پر از حسرت یارانش نگاه کن.
مهدی عزیز، پدر تو تا در قید حیات بود تمام سعی‌اش این بود که عضوی که برای خدا و در راه خاکش داده را نمایان نسازد. نخواست، چون رانت نخواست و چون مادی نبود به معنای خاص کلمه، روحانی بود نه زمینی. پس از این غمین و دلگیر نباش که نگذاشتند حسن پایش را از دست داده، اما خدا و مردم را گرفتند، کجا خاکش کنند.
مهدی جان، پدر تو و برادر ما با این‌که حق داشت و می‌توانست، نخواست. اکنون هم یقین دارم و شک ندارم اگر حسن ما فقط فرصت یک جمله گفتن بعد از مرگ را پیدا کند، با صدای آرام‌بخش همیشگی‌اش می‌گوید: «من را کنار مردمم خاک کنید».
مهدی جان، پدر تو و برادرِ ما را نه اکنون این‌گونه پذیرایی کرده‌اند که قبلاً با ردصلاحیتش برای نمایندگی مجلس، با تهدیدات و تحدیداتش، و جناب مدیرکل ارشادشان بارها و بارها با محدودیت‌ها و قطع آگهی و تضییع حقوق مطبوعاتیش، باعث تعطیلی و توقیف موقت نصیر بوشهر، تریبون مردم شد. بارها و بارها به دادگاه کشاندندش، یادم نمی‌رود وقتی احضار می‌شد یاران صدیقش گاهی تا شش یا هفت ساعت کنارش می‌نشستند تا محاکمه تمام شود و برگردیم. و فراموش نمی‌کنم که وقتی از پله‌ها بالا یا پایین می‌آمد چون پایش را در جنوب خوزستان نهاده بود، مواظب بودیم پای مصنوعی‌اش وسط پله‌ها گیر نکند و سقوط کند.
ای اشک‌ها، ای حسرت‌ها، ای عقده‌های فروخفته، بترکید تا قلبم زخم‌های ناسور نگیرد.
مهدی جان، پدرت جاودانه شد. پدر تو با گفتار و رفتار و کردارش جاودانه شد. او در کوچه امیرالمؤمنین، با مکان فیزیکی دفتر عشق (نصیر)، مکتبی معنوی، فکری، فرهنگی و اخلاقی بنا نهاد که حالا حالاها پیرو و عشق به آزادگی خواهد پروراند.
مهدی جان، پدر تو نه خاموش و نه فراموش خواهد شد. مهدی جان، پدر تو جاودانه شد.

حسن لاوری، شهید است مقامش را ارج نهیم

سید مرتضی کراماتی



حسن لاوری نیک‌اندیش و سختکوش عرصه‌ی رسانه و مطبوعات اصلاح‌طلب واقعی پیرو خط امام و شهدا و دلسوز استان بوشهر بعد از مدت‌ها بستری در در روز (۵ آذرماه سالروز تشکیل بسیج) در بیمارستان تهران، بدرود حیات گفت. روحش شاد و به خانواده و فرزندان و بستگان و اهالی رسانه و قلم استان و یاران زمان دفاع مقدسش تسلیت می‌گویم. آن‌چه به‌صورت اضطراری و قبل از هر تصمیمی در خصوص مراسمات تشیع و تدفینش، ضروری می دانم موضوع تعیین و احراز حکم شهید برای ایشان است. بر اساس آئین‌نامه تعیین و احراز مصادیق عملی شهید و سایر مصادیق ایثارگری (مفقودالاثر- جانباز - آزاده و اسیر) مصوب قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران مصوب سال ۱۳۹۱ عنوان شهید و دفن در کنار دیگر شهداء، حق ایشان است و این موضوع برای ایثارگران موضوعی حساس و حقوقی است که در چندین مرحله و بر اساس قوانین و مقررات خاص انجام می‌شود



۱. تعریف شهید

شهید به‌طور کلی به فردی اطلاق می‌شود که در راه خدا و دفاع از میهن جان خود را فدای می‌کند. در بسیاری از قوانین، شامل جانبازانی می‌شود که در حین انجام وظایف خود (مانند جنگ یا خدمت به نظام) آسیب دیده‌اند و ممکن است شرایط خاصی برای احراز حکم شهید برای آن‌ها وجود داشته باشد.

۲. شرایط احراز

برای احراز حکم شهید برای جانبازان، معمولاً شرایط زیر باید بررسی شود:

درجات جانبازی: معمولاً جانبازانی با درصد جانبازی بالای ۲۵درصد در اولویت قرار دارند.

زمان و مکان آسیب: جانباز باید در عملیات‌های دفاع مقدس یا در شرایطی که در حال دفاع از کشور بوده است، دچار جراحت شده باشد.

کسب مقام شهید: بر اساس بررسی‌های انجام شده و مدارک، مشخص شود که جانباز در حین انجام وظیفه، به درجه‌ای از مجروحیت رسیده که به امر شهادت نزدیک باشد.

۳. مراجع تصمیم‌گیری

احراز شهید بودن برای جانبازان معمولاً توسط مراجع ذی‌صلاح مانند شورای عالی جانبازان، بنیاد شهید و امور ایثارگران، و دیگر نهادهای مربوطه انجام می‌شود. این مراجع مدارک و مستندات مربوط به جانبازی و شرایط خدمت فرد را بررسی می‌کنند.

۴. مقررات و قوانین

برخی از قوانین و مقررات ملی در این زمینه شامل:

قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران

دستورالعمل‌های اجرایی بنیاد شهید و امور ایثارگران موجود است لذا حق حسن لاوری حق تلاشگران عرصه خبر و اطلاع رسانی و این‌که دایره‌ی ایثارگران و مجاهدان ایران عزیز را در بگو مگوی‌های جناح‌های سیاسی تنگ نکنیم. پافشاری بر احراز شهید بودن حسن لاوری است.

یاران چه غریبانه رفتند از این خانه
هم سوخته شمع ما هم سوخته پروانه

به تجسم شرف و شهامت:
جاودان یاد «حسن لاوری»

امید غضنفر

هوای هویزه دارد
هنوز
پایی
که پارو می زند
برخاکستری کارون
تا کرخه ی خاکستر می آید
از سمت پاهای تک افتاده
بر سنگر
تا چشم های خیره
بر تولد تاره
از ضجه ی زهدان
بر جنین بی سر
تا مویه ی آوار و
بهت آواره می آید
از سمت رویای دوباره ی اروند
و پارو می زند
بر آبخیز خلیج فارس
آن جا که بر کرانه اش
رد پایی
هوای هویزه دارد
هنوز

رسالت روشنگری

حسین شادکامی

همیشه زنده است و هرگز نمی‌میرد آن‌که مهربانی و نیکی از خود بجای گذاشت.

خبر جانگداز و هجرت مردی که در اندیشه خرد و دانایی تلاش نمود و قلم خود را صرف آموختن کرد و اخلاص داشت و در تفکراتش ثابت قدم بود تا بتواند ره‌گشای آن‌چه که صور اسرافیل در آگاهی مردم نقش داشت، به معرض ظهور رساند.

هر چند که در این راه مخاطرات زیادی را متحمل شد، اما از آن‌جا که یک سرباز کهنه‌کار بود، از میان سنگرها سنگر نون قلم را انتخاب کرد تا شاید بتواند با حفظ آن از این دیار و خلوص انسانی حفاظت کند.

او به تنهایی چنان بزرگ بود که شهری در ماتمش گریست و یادواره‌ای از او به جای گذاشت تا عمل نیک و صالحش را به رخ دردمندان این دیار بکشاند.

هر چند که با تنی رنجور و زخمی، قامت خود را بلند نگاه داشته بود تا رسالت روشنگری را به جامعه خود به ارمغان آورد. او کسی نبود جز یکی از مردان این دیار، زنده‌یاد حسن لاوری، از فرهیختگان این آب و خاک که همچون نرگس بهاری، به دیار ابدی کوچ کردند تا نام و یادشان همیشه جاوید و گرامی باد.

روحش شاد و روانش پاک باد.

مرده آن است که نامش به نکویی نبرند

حسین حشمتی

حسن لاوری را همه می‌شناختند، نه تنها به اسم بلکه به فتوت، جوانمردی و گره‌گشایی از مشکلات گرفتارانی که به او مراجعه می‌کردند، حتی آنانی که تنها سلام و علیکی با او داشتند. اما در مقام انجام وظیفه، چه در زمانی که شاغل منصب وابسته به دستگاه قضا بود و



چه در هنگام بازنشستگی (به گمانم) زودرس به علت ترکش‌هایی که در جنگ تحمیلی در بخشی از بدنش جاخوش کرده بودند، تازه این‌ها که چیزی نبود برای او، چون او یک پایش را هم تقدیم کرده بود به انقلاب. به جز خانواده و عده معدودی از همرزمان و دوستان بسیجی‌اش، کمتر کسی می‌دانست که حسن یک پایش را در جنگ از دست داده است.

نگارنده زمانی به این ایثارگری پی برد که چند سال پیش و در یک روز جمعه، برای تحویل مقاله‌ای، دکمه زنگ دفتر هفته‌نامه نصیر را فشار دادم. خودش از بالکن طبقه بالا که منزلش بود سلام گفت و به رسم میهمان‌نوازی دعوت کرد به خانه‌اش بروم.

گفتم مزاحم نمی‌شوم. گفت تنها هستم، بیا یک استکان چای بخوریم با هم.

دعوتش را پذیرفتم و به خانه‌اش رفتم؛ در یک سینی ورشو قدیمی از آن‌هایی که جای پنج استکان نعلبکی داشت، دو استکان چای آورد و خیلی عادی نشست و یک پایش را دراز کرد.

وقتی علامت تعجب را در چشمانم دید، پاچه شلوارش را اندکی کشید بالا.

آن‌جا بود که متوجه شدم یک پایش مصنوعی است. پرسیدم چرا؟ تصادف کرده‌ای قبلاً؟ حرف را پیچاند و در مورد موضوع مقاله‌ای که نوشته بودم سؤال کرد. فهمیدم نمی‌خواهد در این مورد حرف بزند، من هم موضوع را دنبال نکردم.



چند ماه پیش بود که در خبرهای منتشره در چند سایت خبری خواندم که بیمار شده و در یکی از بیمارستان‌های تهران بستری است.

در اولین فرصت به عیادتش رفتم، هوشیار نبود و همسر و دخترش از او مراقبت می‌کردند.

دیگر سعادت نداشتم به عیادتش بروم تا این‌که اخیراً خبر فوتش را خواندم. خدایش بیامرزد و بهشت برین جایگاهش باد.

به قول حضرت سعدی:

سعدیا، مردن که نام نمیرد هرگز،

مرده آن است که نامش به نکویی نبرند.



حسن لاوری، اصلح و اصلاح

مرتضی خضری



حسن لاوری با باوری قوی در اصلاح پا به اصلاحات گذاشت و به آن‌چه آغاز شده بود تا پایان پایبند ماند.

لاوری با نصیر به دل ماجراهایی رفت که هر دم با تبر رودررو بود.

در اصلاحات ایستاد و لنگ‌لنگان راه رفت و هر جا نیاز بود خط شکن شد.

لاوری بی‌باک ولی هوشیار با نصیر پرچم‌دار مطالبی بود که دیگران سانسور می‌کردند.

لاوری مسیر سخت اصلاح را تا بود متوقف نکرد و حالا که نیست خلاء آن خیلی‌ها را خلع سلاح می‌کند.

حسن لاوری پایش را در جنگ جا گذاشت ولی ترکش‌های فراوانی را با خود آورد و در زندگی ترکش‌های زیادی از این و آن خورد.

حسن لاوری گرچه مجروح شد ولی زنده ماند تا در زندگی دوباره زخم‌هایی بخورد که نباید.

به لاوری بارها پست تعارف شد اما نپذیرفت و با مردم ماند و نگاهش را به یادگار گذاشت.

لاوری در ۲۸ اسفند ۱۳۴۴ در محله صلح‌آباد بوشهر متولد شد. در جنگ جنگ‌جو بود و در صلح مسیر اصلاح‌طلبی را پیش گرفت.

وقتی ترکش‌ها او را به خواب بردند چندین ماه مبارزه کرد و در ۵ آذر ۱۴۰۳ آخرین نفس‌های خود را کشید./ یاران سبز

ضایعه‌ای بزرگ برای اهل قلم و اندیشه

هلنا سعادتمند



قلم در وصف حاج حسن لاوری از نوشتن باز می‌ماند. کوه صبر، ایثار، مقاومت، مردمداری، جسارت و شهامت.

در پاییز سرد و غمزده، با حضور مردمی که دوستش داشتند، به خاک سپرده شد. این ضایعه‌ای بزرگ برای اهل قلم و اندیشه بود، مردی که برای هر مشکلی راه‌حلی داشت.

دفتر نصیر همواره بر روی همه باز بود و برنامه‌هایش منظم بود. به‌جرأت می‌توان گفت اندیشه اصلاحات در استان را ایشان بارور کرد، آن‌گاه که همه هم‌باوران با دل و جان به گرد شمع وجودش جمع بودند.

آن روزها اندیشه اصلاحات بارور می‌شد و اهالی قلمی که هرگز دست از آرمان خود نمی‌کشیدند. همه این‌ها به لطف حاج حسن لاوری بود که همواره اندیشه‌اش سرلوحه امورش بود و در این راستا چه هزینه‌ها داد، آن‌گاه که راهروهای دادگستری را می‌نوردید و صبورانه به دنبال احقاق حق بود.

گاه رفتن اردوهایی که ترتیب می‌دادند، قبل از بقیه سر خروجی شهر توقف می‌کرد که همه آمده باشند. مدیریت خوب ایشان در هفته‌نامه نصیر باعث می‌شد دوستان پروانه‌وار گرد شمع وجودش باشند.

خبر بیماریش روح و روانم را آزار داد. هر از گاهی با همسر باوفایش تماس داشتم، همسری که واقعاً سنگ تمام گذاشت و لحظه‌ای بالینش را ترک نکرد. همیشه منتظر بودم خبر بهبودیش را بشنوم تا این‌که خبر تلخ در سراسر استان پیچید.

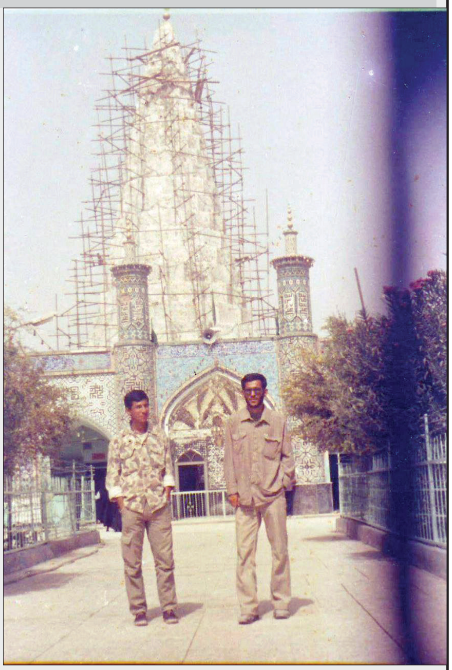
باورم نمی‌شد، اهل قلم و اندیشه استان رادمردی را از دست داد که جسورانه و با شهامت پای اندیشه‌اش ایستاد.

او در قلب همه حق‌گویان همیشه زنده است.

روحش در آرامش ابدی.

مردی سربلند در دو جبهه

دکتر زهره عالی‌نسب



امروز بوشهر در سوگ کسی نشسته است که پیروز میدان دو جبهه بود: جبهه دفاع از وطن و جبهه مبارزه با جهل و دگم‌اندیشی. دفتر هفته‌نامه نصیر آذین شده بود با افکار و عقایدی که در نهایت دوستی و رفاقت، عقیده خود را مطرح کرده و به گفتگو می‌نشستند و به رشته تحریر درمی‌آوردند. به عبارتی، هم در دفاع از وطن و عقیده‌اش از جان مایه گذاشت و هم در جبهه آزادی‌منشی و آزادی، عرصه قلم را به عنصر مصلحت و منافع نفروخت. با وجودی که خود سنتی و مذهبی بود، ولی اعتقاد داشت جامعه عرصه افکار و ذهن‌های متکثر است و فضایی برای جولان آزاداندیشانی که نخواستند در عرصه آگاهی‌بخشی به جامعه سهمی داشته باشند، ایجاد کرد. حسن لاوری، بعد از بهار اصلاحات و به‌وجود آمدن فضای همفکری، با تأسیس هفته‌نامه نصیر تلاش زیادی در جذب نویسندگان و اهل قلم و ایجاد فضا برای هم‌اندیشی و ایجاد فرهنگ گفتگو و تمرین خردورزی داشت. تلاش داشت که پرسش‌گری و نقد و در عین حال انعطاف‌پذیری را ترویج دهد، چیزی که واقعاً به جو و محیط جامعه و انسان ایرانی نیاز دارد. وی با وجود سوابق درخشان و داشتن فرصت‌های متعدد برای رسیدن به پست و مقام، فعالیت در عرصه فرهنگ و قلم را برگزید و تلاش می‌کرد افراد قوی و مستعد را شناسایی کرده و به نهادهای تصمیم‌گیری معرفی کند و نقشی در اعتلا و توسعه شهر و استان خود داشته باشد. وی با نصیرش حق زیادی در تشویق و ترغیب جوانان و نویسندگان و فرهیختگان برای قلم زدن و تبادل افکار و تمرین گفتگو و نوشتن داشت. آزادمرد



آزاداندیشی بود که با آزادی زندگی کرد و ذهن و زبان و ضمیرش در جهت اعتلای فرهنگ مرز و بومش بود. نام و یادش در سپهر فرهنگ و قلم بوشهر مانا باد. خرم آن نغمه که مردم بسپارند به یاد.

لاوری، یاوری بود برای اهل قلم و اندیشه

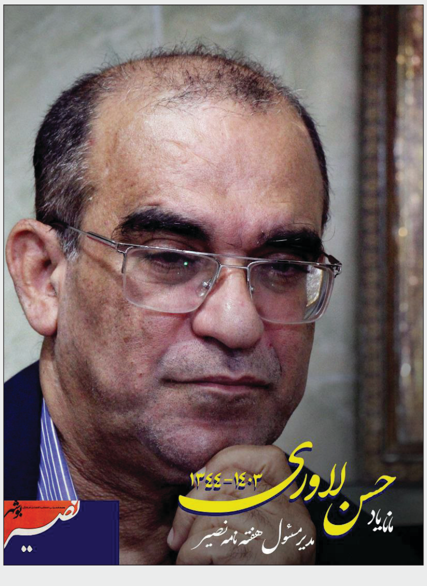
رضا نکیسا



دقیقا به یاد ندارم حاج حسن را از کی و کجا شناختم، منتهی آن‌چه در همان اولین برخورد اتفاق افتاد دوستی عمیق بود که حکایت از راستی، صداقت و جدیت آن مرحوم داشت.
باید تاکید کرد لاوری نمونه و مثال کاملی بود از آن‌چه نمی‌خواست، آن مرحوم مرزبندی کاملی داشت با هر آن‌چه که با آن سر عناد برمی خواست.
زنده یاد از ظاهرآرایی و تعارفات مرسوم عاری بود و نقدها را بی رحمانه بر گرده‌ی کجی‌ها و کاستی‌ها فرود می آورد.
بر این باورم که همگان لاوری را برای درستکاری، شفافیت و صراحت لهجه‌ای که داشت، دوستش می داشتند، و او از هر آن‌چه رنگ تعلق می‌پذیرفت آزاد بود.
باید یاد آورشد که حاج حسن نه تنها پای خود را در جبهه های جنگ جا گذاشته بود، بلکه تمامی هواها و خواهش‌های نفسانی، کبر و غرور و حرص را نیز همانجا، جا گذاشته بود.
آری او عاری بود از تعلقات دنیوی، ایشان انسانی بود تماما انسانی و یا بقول سعدی علیه‌الرحمه با اندکی دستکاری:
او ملک بود و فردوس برین جایش بود ....
از دیگر ویژگی‌های بارز آن زنده یاد باید گفته شود که: در روزگاری که کمی ها و کاستی عنان اختیار هر انسانی را از کف خارج کند او از هر آلودگی پاک بود و به جمع پاکان شتافت.
مرحوم لاوری تمام گرفتاری‌هایی که دفاع از کشور برایش ایجاد کرده بود گاهی گلایه‌مند نبود و زخم‌ها و جراحت‌های جنگ را در سکوت خویش تنهایی بردوش می کشید.
او همان رزمنده ای بود که در دوران دفاع مقدس بی‌هیچ چش‌مداشت دنیوی جانانه تا پای جان ایستاده بود و از اعتقاد، دین و کیان خود به دفاع برخواسته بود.
لاوری پس از جنگ نیز آسودگی اختیار نکرد، و با تاسیس نشریه نصیر بوشهر به مطالبه‌گری به ایفای حقوق شهروندی پرداخت و با مردم بود، برای مردم می‌زیست و از هر کوششی برای اعتلای وطن دریغ نورزید.
گفتن از لاوری هم سخت است و هم سهل، سخت است از آن جهت که قلم عاجز است از بیان بزرگی روح آن مردخدا.
حسن را نمی توان در قالب کلمات گنجاند و از او تصویری آن‌گونه که شایسته اوست ترسیم کرد، سهل است چون او چنان آب روان زلزل بود چراکه از سرچشمه ایثار و ازخودگذشتی ارتزاق کرده و پیچیدگی‌های انسان وابسته و دلبسته به دنیای امروزین را نداشت.
درگذشت شهادت‌گونه آن یادگار جنگ، جهاد و رسانه را به خانواده و دوستان ایشان تسلیت گفته و از خداوند سبحان برای آن عزیز از دست رفته علو درجات خواستارم، روحش شاد و یادش تا ابد گرامی باد.
کلام را در واپسین بخش آن با این بیت از حضرت حافظ به پایان می برم.
هرگز نمیرد آن‌که دلش زنده شده به عشق
ثبت است در جریده عالم دوام ما

به ما آموخت که در برابر ناراستی‌ها سکوت نکنیم

مصطفی خرّمی



با کمال تأسف و اندوهی عمیق، خبر درگذشت حاج حسن لاوری، رزمنده دلاور هشت سال دفاع مقدس و از پیشگامان عرصه قلم و رسانه، چون پتکی بر دل‌های ما فرود آمد. او که در میدان نبرد، شجاعت و ایثار را با جان و دل به نمایش گذاشت، اکنون در سایه‌سار رحمت الهی آرام گرفته است.
حاج حسن، مردی که در روزهای سخت جنگ، با دلی پر از عشق به وطن و آرمان‌های بلند، در برابر دشمنان ایستاد و با فریادهایش، صدای حق را به گوش تاریخ رساند.
او نه تنها یک رزمنده، بلکه نویسنده‌ای توانا بود که با کلماتش حقیقت را جاودانه ساخت. در روزهای پر التهاب، او با نگاهی عمیق و قلبی پر از امید، داستان‌ها و روایت‌هایی را خلق کرد که همچنان در یادها زنده خواهند ماند.
اکنون که او به دیار باقی شتافته، یاد و خاطره‌اش در دل‌های ما زنده است. او به ما آموخت که در برابر ناراستی ها سکوت نکنیم و همواره کلام حق را با صدای بلند فریاد بزنیم.
حاج حسن، با وجود این که دیگر در میان ما نیست، اما آموزه‌ها و اراده‌اش همواره در دل‌های ما خواهد درخشید.
در این روزهای سخت، بی‌تردید، یاد و خاطره او چون چراغی در دل تاریکی‌ها، راهنمای ما خواهد بود.
این اندوه بزرگ را به خانواده و بستگان محترم ایشان تسلیت می گویم و از خداوند متعال برای آن‌ها صبر و آرامش مسئلت دارم. یادش گرامی و روحش شاد باد.

پیام شورای هماهنگی جبهه اصلاحات استان بوشهر به مناسبت شهادت حسن لاوری

فقدان حسن لاوری بر مردم استان بوشهر به‌ویژه بر جبهه اصلاحات سخت گران است

وجود او چهره تمام نمای شهید مانده بر روی کره خاک را به تصویر می‌کشید

بر صحیفه هستی چنین درج است، که زندگی بر کسی مانا نخواهد بود، اما در همین بازه کوتاه عمر آدمی، بوده‌اند و هستند انسان‌هایی که بدین موضوع از سر بصارت نگریستند و زیستن را بر خود پدرام گرفتند، آنچه را برای همنوعان خود می‌خواستند نیکی و شادی و عافیت بود هر چند جسم و روح خود را گرفتار سختی بکردند.

شادروان حاج حسن لاوری از جمله مردانی بود که به گیتی جز از راستی طلب نکرد و بخوبی دریافته بود که؛

«بدین رواق زبرجد نوشته اند به زر
که جز نکویی اهل کرم نخواهد ماند»

در صحنه‌های نبرد برای دفاع از ملک و میهن هر چه داشت در طبق اخلاص تقدیم کرد از نبردی به نبردی و سنگری به سنگری آرام نداشت وجود او چهره تمام نمای شهید مانده بر روی کره خاک را به تصویر می‌کشید


نسیم جنوب - دوازدهمین سالکوچ منوچهر آتشی



اهل قلم بود وهیچگاه قلمش جز برای به تصویر کشیدن واقعیات و نشان دادن کاستی‌ها و برای زدودن از رخسار جامعه، بر کاغذی نلغزاند. در عالم سیاست اهل راستی و مدارا و بردباری بود با اعتقاد راسخ به اصلاحات با دوستان خود مروّت و مخالفان فکری مدرا می‌ورزید ضمن اینکه از اصول خود قدمی به عقب نمی‌گذاشت جانش لبریز از شوق پیشرفت شهر و دیار و مملکت خود بود. غیبت او بر همه مردم استان بوشهر بویژه بر جبهه اصلاحات سخت گران می‌باشد، اما چه چاره که مرگ تن را نمی‌توان سوخت و چشم زمان را نمی‌توان بست. لذا بدین وسیله ما یاران همفکر و همراه آن سعید فقید، با دلی اندوهبار و چشمانی اشکبار اندوه از دست دادن ایشان را به خانواده معظم و معزز وی و به تمامی مردم استان بوشهر تسلیت و تعزیت عرض نموده و برای روح پاک آن مرحوم آمرزش و مغفرت از درگاه ایزد منان مسئلت داریم.

به مناسبت هجرت شهادت گونه حسن لاوری

جای برادران غیورم چه خالی است

مسعود حسن پور



سر آن ندارم بگویم حسن لاوری فرزند جبهه و جنگ بود. سر آن ندارم بگویم حسن لاوری مصداق دلاوری های نسلی است که ایثار و مردانگی را به همگان یاد دادند. چون ورود به این مباحث زیبنده کسانی است که از واژگان جبهه و جنگ و شهادت سودای مدیریت و ترفیع داشتند و دارند! و این گونه بودن و بدین سان نوشتن زیبنده حسن لاوری نیست و من نیز شان قلم را نگه می دارم! حسن لاوری ترجمان اصالت بود. بی گمان حسن لاوری نسخه بی شبهه خویشتن بود. از این رو در گیرودار سیاست و فعالیت سیاسی هیچگاه رنگ عوض نکرد.

حسن لاوری در کار مطبوعاتی هیچگاه نمی پسندید بی بها و بی بهانه و برای منفعت خود به استقبال فرد و افراد برود. از این جهت واقعا باور دارم وی نمونه ای از یک انسان رشد یافته و متعالی بود.حسن لاوری سربلند زیست و با گفتار و رفتار و گاه با لبخند زدن بر بسیاری اتفاقات، سربلند زیستن را می آموخت. از این جهت و شان قلم نوشتن را هیچگاه ارزان نفروخت.

به هر حال حاج حسن از میان ما پرکشید و با هفت هزار سالگان سربه سر شد. اما یاد و خاطره اش همچنان جاودان خواهد ماند. برای من که چندین سال با نشریه نصیر همکاری داشتم، خلا وجود این مرد نازنین در فضای سیاسی و مطبوعاتی استان اندوه بار است. اما رسم زمانه چنین است و باید در مقابل حوادث آن سر تعظیم فرود آورد.

اینک که شهر شعله ور بی خیالی است / جای برادران غیورم چه خالی است.



هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: نسیم فقیه
مدیر مسئول و سردبیر:
دکتر یونس قیصی‌زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب - تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان

به یاد شادروان حسن لاوری، فعال سیاسی و روزنامه‌نگار بوشهری

پایی که جا ماند، پایمردی که ایستاد!

یونس قیصی زاده



درگذشت شهادت‌گونه «شادروان حسن لاوری»، جانباز سرافراز و روزنامه‌نگار و فعال سیاسی اصلاح‌طلب را تسلیت عرض می‌کنم.

هرگاه حسن لاوری را می‌دیدم، شور و هیجان روزهای سخت جنگ با عراق، در مقابل چشمانم نمایان می‌شد؛ رزمنده جوانی که برای دفاع از وطن و آرمان‌های انقلاب، لحظه‌ای تردید نکرد و مشتاقانه سوی جبهه‌ها شتافت و در هر عملیات، پیشقراول بود و در راه دفاع از میهن، چندان پای فشرد که یک پایش را به یادگار در شلمچه جا گذاشت.

پس از پایان جنگ، روزهای دانشجویی و روبرو شدن با افکار جدید در محیط دانشگاه را به یاد می‌آورم که در کنار تحصیل و کسب دانش، مشتاقانه در پی آشنایی و یافتن نظرات و دیدگاه‌های جدید سیاسی بود که سال‌های پس از جنگ در حال برآمدن از بستر پرجنب‌وجوش دانشگاهی بود؛ کتب و مقالات سیاسی، بحث‌های داغ دانشجویی و التهاب فعالیت سیاسی گروه‌ها و جلسات گرم سخنرانی و... شکل دهنده شخصیتی بودند که می‌خواست همچنان در سنگری دیگر، برای این کشور رزمنده باقی بماند.

یاد روزهای پرشور دوم خرداد بخیر که گویا گمشده خود را پیدا کرده بود؛ در آن ایام پرتنش، سرازپا نمی‌شناخت و شبانه‌روز در حال تلاش بود برای سربرآوردن سحری که در خود، بسیار حادثه‌ها داشت.

بعد از دوم خرداد بود که به‌جای ورود به مناصب مدیریتی و گرفتن پست و مقام، وارد عرصه‌ای بس سخت و دلهره‌آور شد؛ وی جبهه‌ای جدید برای دفاع از کشور و احقاق حقوق مردم پیدا کرده بود.

اگر دیروز تفنگ بر دوش داشت، این‌بار قلم به دست گرفت و در سنگر رسانه، لباس رزم بر تن کرد. دیگر از دشمن خارجی خبری نبود ولی این‌بار آماج تیرهای زهرآگینی قرار گرفت که خود را تنها وارث این انقلاب می‌دیدند و هر که مطیع نبود و همانندشان فکر نمی‌کرد، دشمن خود دیده و با انواع و اقسام ابزارهای دولتی و حکومتی که در دست داشتند، بی‌رحمانه مورد تهدید و توهین و حمله قرار می‌دادند.

اما او اهل عقب‌نشینی نبود، حتی به بهای پرونده‌سازی‌ها و روانه شدن به دادگاه‌ها و تهدیدهای مکرر و به خطر افتادن سلامتی و جابجا شدن ترکش‌هایی که در بدن و گردنش، جا خوش کرده بودند.

دهه‌ها حضوری موثر، فعال و پردغدغه در فعالیت‌های سیاسی و فضای مطبوعاتی داشت و همیشه مردانه پای آرمانی که داشت ایستاد. از پایی که داده بود، نردبانی برای ترقی و مال‌اندوزی و رانت‌خواری نساخت و ترجیح داد تا آبرو، دانش و تجربه خودش را در خدمت به کشور و مردم در رسانه به کار گیرد.

شرافتمندانه زیست و عمری از وطن و آرمان‌هایش، از حق آزادی و آزادگی هم‌وطنانش و از پیشرفت و آبادی کشورش، دفاع کرد.

رشد و توسعه جامعه، جز با وجود چنین انسان‌هایی صادق و لبریز از احساس مسئولیت، پاکدست، شجاع و آگاه که پای منافع مردم بایستند و خیرخواه آنان باشند و در احقاق حقوق آنان کوتاه نیایند، میسر نمی‌شود و چه سعادتی برای استان بوشهر و ایران عزیز که حسن لاوری را داشت. والامردی که جوانی و جان و عمر خود را برای کشور، آرمان و هدف خود گذاشت.

که جز نکویی اهل کرم نخواهد ماند

اسمعیل تبادار

غیر از دل گرامی دریاکشان عشق
در نه صدف اگر گهری یافتی بگو ...

انسان‌های فرهیخته و کم همتا، همواره حیات‌شان را با شعر و شعور آمیخته اند و جاپای قلم‌شان بر صفحه بی‌بدیل معرفت و آگاهی نشسته است. وجودشان، ستاره‌ای روشن است تا ابدیت...

این دنیای گذرا تیره خاکدانی است که،
غیر از فکندن سپر اینجا سلاح نیست.

خبر درگذشت دوست فرزانه و ارزشمند، جانباز شجاع دوران دفاع مقدس، آقای حسن لاوری، مدیر مسئول هفته نامه نصیر، غم واندوهی جانکاه بر دل‌های همه دوستان و هم استانی‌های عزیز و اندیشمند نهاد، همواره تألمات روحی انسان‌های اثرگذار در پهنه اجتماعی بزرگ‌تر است و لاجرم جریده‌ای باید تا خط غم و اندوه را از دیدگان اشکبار بزداید.

از اهل حق اگر نظری یافتی بگو
بی‌خون دل اگر گهری یافتی بگو
از توتیای اهل نظر خاک مفلس است
زین توتیا اگر قدری یافتی بگو

از خداوند غفران و رحمت واسعه برای آن برادر شریف و صبری عظیم برای بازماندگان مسئلت می‌نمایم.

بدین رواق زبرجد نوشته اند به زر
که جز نکویی اهل کرم نخواهد ماند.

نامی نیک و سابقه‌ای درخشان

هادی خامنه‌ای

انا لله و انا الیه راجعون

مصیبت فقدان برادر ارجمند و جانباز سربلند، شهید حسن لاوری که عمر شریف خود را صرف دفاع از کشور و ارزش‌های انسانی و اسلامی نمود، و پس از تحمل سال‌ها رنج ناشی از جراحت دوران جنگ چشم از جهان فرو بست، موجب تأسف گردید.

آن عزیز که از چهره‌های شاخص اصلاحات و خدمتگزاران صادق عرصه فرهنگ و قلم و رسانه در استان بوشهر بود و مسئولیت دبیری مجمع نیروهای خط امام در آن استان را بر عهده داشت، نامی نیک و سابقه‌ای درخشان از خود بر جای نهاد که قرین او و در جوار رحمت الهی خواهد بود.

اینجانب این ضایعه را به خانواده مکرّم ایشان و جمیع بستگان و دوستان و اعضای مجمع نیروهای خط امام در استان بوشهر تسلیت می‌گویم و برای آن فقید سعید علو درجات را از خداوند متعال مسئلت دارم.